

لاله فرزین فر
کارشناس ارشد تاریخ
از دانشگاه شهید بهشتی

ساختار اجتماعی و حیات اقتصادی آسیای مرکزی در عصر باستان

چکیده

سرزمین گسترده ی آسیای مرکزی دارای ویژگی های خاص جغرافیایی است که باعث بروز نوع خاصی از معیشت در میان ساکنان آن شده است. از مجموع متون کلاسیک چنین بر می آید که فلات ها و کوه پایه های آسیای مرکزی در سده های باستان، مامن کوچ روهای بوده که از طریق پرورش احشام و کشاورزی، روزگار می گذرانند. فلات های وسیع این ناحیه همواره به سبب نقش کوچ روهای باستانی در پرورش احشام و هم چنین تاثیری که در مقاطع مهمی از تاریخ جهان داشته اند، مورد توجه بوده است. علاوه بر این که شباهت تامین معاش و روش زندگی اقوام منطقه و نیز مشترکات زیادی که در فرهنگ مادی دارند، مطالعه به روی آنان را به موضوعی بحث برانگیز میان پژوهشگران تبدیل کرده است.

کلید واژگان: آسیای مرکزی، کوچ روهای باستانی

حدود

از گذشته های بسیار دوره، گستره وسیع میان دریای خزر تا فلات مرتفع مغولستان که بخشی از خشکی بزرگ اوراسیا^۱ است یکی از مناطقی بوده که جوامع انسانی در آن تردد می کرده اند. مقاطع مهمی از تاریخ عهد باستان و بخصوص قرون وسطی به وسیله مردمی برخاسته از نواحی استپی، صحرائی، واحه ای و کوهستانی این حدود شکل گرفته است. این مردمان اقوام مختلفی بودند و در منابع با نامهای گوناگون از آنها یاد شده همچون سیمیریها^۲ که هومر از آنها در اودیسه نام برده، سیت ها^۳ که توسط هرودت توصیف شده اند، هیونگ نو یا هپسونگ نو^۴ که تاخت و تاز آنها سبب بنای دیوار چین گردید، ترکهای قرن

ششم که مرزهای امپراطوری خود را تا بیزانس کشیدند، خیتانهای^۵ که نام خود را به ختای^۶ باستانی دادند تا مغولانی که به رهبری چنگیز خان بخش عظیمی از آسیا را در نوردیدند. جریان قبض و بسط حرکت‌های جمعی در طی اعصار متمادی، مانع از آن است که بتوان آسیای مرکزی را به عنوان منطقه ای بخصوص از سایر مناطق جدا کرد. در نوزدهمین نشست یونسکو در سال ۱۹۷۸ با هدف تعیین حدود آسیای مرکزی برای مطالعه بر روی تمدنهای این منطقه^۷ چنین نتیجه گرفته شد که مطالعه آسیای مرکزی باید در برگزیده تمدنهای افغانستان، شمال شرق ایران، پاکستان، شمال هند، چین غربی، مغولستان و جمهوریهای آسیای مرکزی (شوروی سابق) باشد. استفاده از اصطلاح "آسیای مرکزی" به گونه ی بکار برده شده در این تاریخ برای اطلاق به مناطقی است که در چهار چوب یک واقعیت تاریخی و فرهنگی آشکار قرار گرفته اند.^۸ در واقع منظور از آسیای مرکزی یک تصویر فرهنگی است که طی تاریخ طولانی تمدنهای این منطقه ظاهر شده و نباید آنرا با منطقه ای دارای مرزهای معین و محدود چه در گذشته و چه در حال حاضر ارتباط داد.

موقعیت جغرافیائی

سرزمین گسترده آسیای مرکزی، از زمینهای وسیع استپی، بیابانی نیمه بیابانی با مراتع فصلی مرغوب تشکیل شده و برای زندگی کوچ روهای دامدار موهبتی طبیعی است. ویژگی جغرافیایی این منطقه فلاتهایی است که در مرکز پست و پیرامون آنها با کوهستانهای بلند محصور است. کوهپایه ها در منتهای شیبهای خود به دشتهای رودها منتهی می شوند و اینها نیز به دریاها، دریاچه ها و مردابها می پیوندند. همچون دره های بسیار کوههای جنوبی آمودریا که به سوی کرانه رود سرازیر می شوند و کوههای تاجیکستان امروزی در شمال. از رشته کوه علائی سه رود سرچشمه می گیرد که دره های تنگ و حاصلخیز سرخ دریاو کافرنگان و ووخش را سیراب می کنند. این آخرین دره طولانی ترین آنهاست که از فلات علائی سرچشمه می گیرد و راهی بازرگانی به موازات آن به ترکستان چین می رود، همچنین دارای چراگاهی بسیار طولانی برای گله ها و اسبهای بیابانگردان است در آمیختگی بزرگ کوههای پایر بایخهای فراوان آن آب سه رود بزرگ سند در جنوب، سر دریا و آمو دریا در غرب را فراهم

می‌کند و نیز بسیاری جویبارها که به سوی شرق و به ترکستان چین روان است.^۹ در عین حال بخش وسیعی از این سرزمین‌ها بیابانی و خشک است. در مجموع آسیای مرکزی سرزمینی است با تضادهای چشمگیر و بخش عمده از این سرزمین را کوهستانهای بلند، صحراهای کم جمعیت و حوضه‌های متعدد و رودخانه یا زمینهای رسوبی حاصلخیز فرا گرفته‌اند.

مردم شناسی:

بر اساس مدارک باستانشناسی، انسانهای نخستین از دوران پارینه سنگی در آسیای مرکزی به ظهور می‌رسند و منطقه از نظر اجتماعی به وسیله گروههای متراکم شکارگر اسکان یافته می‌شود.^{۱۰} از آن زمان این ناحیه هیچگاه خالی از سکنه نبوده است.

در فاصله قرنهای هفتم تا سوم پیش از میلاد این گستره به وسیله شمار کثیری از قبایل مسکونی شد که دشتهای حاصلخیز جیحون را تا پیش از رسیدن خویشاوندان آریایی خود در اختیار داشتند. این قبایل در متون ایرانی (از اوستا تا شاهنامه) توراتی خطاب شده‌اند.^{۱۱} در منابع کهن آشوری با عنوان سکاها شناخته شده^{۱۲} و در منابع کلاسیک یونانی نام سیت یا اسکیت دارند.^{۱۳}

این طبقه بندی وسیع بخاطر شباهت فرهنگ و روش زندگی اقوام ساکن این منطقه است که اگر چه گروههای خونی و طرز تکلم متفاوت بودند، اما در نحوه زیست شیوه همسانی داشتند. اگر چه نحوه توزیع این قبائل به علت کمبود منابع مکتوب هنوز بحث انگیز است، اما حیات سیاسی و اقتصادی، شیوه های زندگی، تامین معاش و ابزار دفاع اقوام سراسر جاده ابریشم شباهت قابل توجهی باهم داشته^{۱۴} و مشترکات زیادی در فرهنگ مادی دارند. با توجه به تشابهات فرهنگی می‌توان فهمید که چرا نویسندگان قدیم گاهی قبایل مختلف را به یک رویداد تاریخی واحد ارتباط می‌دادند. بعنوان مثال در توصیف جنگ کوروش علیه کوچ روهای آسیای مرکزی، هرودوت می‌نویسد کوروش با ماساژتها جنگید، استرابوجنگ را با سکاها توصیف می‌کند، کونتیبوس کورتیوس^{۱۵} می‌نویسد کوروش با آبیها^{۱۶} جنگید و به نوشته کتزیاس، جنگ بادرپی سزها^{۱۷} بود و بر سوس^{۱۸} جنگ کوروش را با دها^{۱۹} توصیف می‌کند.

قبایلی که گستره آسیای مرکزی می‌زیستند، انشعابات متعددی داشتند. شعبه ای که در تاریخ ایران باستان بیشتر تاثیر گذار بوده اند، در امتداد جنوب، در مسیر آبهای آرال و خزر، ارتفاعات سلسله جبال پامیر و رشته کوههای پیوسته به آن می‌زیسته این انشعابات شامل ساختار کاملی از مردمانی بوده که به گونه ای از زبان ایرانی تکم می‌کردند و با گذشت مدتهای مدید از اسکان خویشان آنها را فلات ایران همچنان در شرایط کوچ روی بسر می‌بردند. تاریخ سراسر تلاش اقوام مزبور از قرن هفتم پیش از میلاد، مبدول یافتن راهی به سوی خویشاوندان خود در جنوب بوده است.

کوچ روهای باستانی در آسیای مرکزی

تاریخ مکتوب آسیای مرکزی با بحث هرودوت درباره سیت ها آغاز می‌شود. هرودوت آنها را شبانهائی معرفی می‌کند که در نزاع با همسایگان خویش در زمان سلطنت کياكساربه ماد مهاجرت کردند.^{۲۰} بحث هرودوت در کتاب چهارم، او گستره تر می‌شود. آنچه در مجموع از مطالب او و سایر متون کلاسیک به دست می‌آید این است که گسترده وسیع فلات ها و کوهپایه های آسیای مرکزی مامن کوچ روهایی بوده که از طریق پرورش احشام و کشاورزی روزگار می‌گذراندند. فلاتهای وسیع آسیای مرکزی به سبب نقش کوچ روی باستانی و پرورش و اصلاح احشام اشتهار داشته است.^{۲۱} قبایل کوچ رو با کشاورزان ساکن تماسهای نزدیکی داشته اند. در حقیقت تاریخ و جابه جای این دو را نمی‌توان مجزا از یکدیگر دانست، زیرا هر یک بر دیگری تاثیر گذار بوده اند. دو طبقه شبان کوچ رو بزرگر مقیم، هر دو نفوذ پذیر بوده اند کوچ روها به طور ادواری مستقر شده، بزرگر می‌شدند، در حالیکه بزرگران مقیم به کوچ روی باز می‌گشتند، این شیوه احتمالا از هزاره سوم تا هزاره دوم پیش از میلاد به عنوان الگوی عملکرد استقرار در فلات ایران و آسیای مرکزی معمول بوده و به طور مستقیم بی ثباتی و نفوذ پذیری این دو اجتماع مردمی را مشخص می‌کرده است. این دو الگوی متمایز معیشتی، شیوه یگانه ای را در یک تولید همبسته شکل می‌بخشیده است.^{۲۲} اما یافته های منفرد باستانشناسی وضع اقتصادی بازاریا سازمانهای مبادله ای یا هر گونه آگاهی مبنی بر وابستگی ضمنی این تمدن با دیگر فرهنگها را روشن نمی‌کند. فقط الگوهای در هم بافته حاکم بر اجتماعات کوچ روی زراعی را مشخص می‌نماید.^{۲۳}

در قرنهای هشتم و نهم پیش از میلاد تقریباً به طور همزمان در تمامی استپهای آسیای مرکزی و جنوب روسیه انتقال به روش زندگی کوچ روی در میان قبائلی که رسوم فرهنگی مشابه داشته اند، روی داد. در اقتصاد کوچ روهای گاو دار، رمه ها در مراتع مختلف به چرا برده می شوند، تعداد احشام افزایش می یافت و این باعث می شد قبایل بیشتری به زندگی کوچ روی، روی بیاورند. اسب اهمیت زیادی یافت. قبایلی که در سواحل رودخانه به سر می بردند به صید ماهی پرداختند و صنعتگران ماهر سلاح، زینت آلات، قالیهای نفیس و اشیاء دیگر تولید کردند. توسعه اقتصادی گاو داری تغییراتی اساسی را در جامعه و اقتصاد ایجاد می کند، اما منابع معدود کتبی، به شناسایی روابط اجتماعی و اقتصادی میان کوچ روهای باستانی کمکی نمی کند. تنها اشاره برای وجود نوعی روش سیاسی برای اداره امور قبایل، ذکر نام شاهان سکایی- ماساژی است که بعنوان رهبران اتحادیه کوچ رو معرفی شده اند. در فاصله قرنهای هشتم تا ششم پیش از میلاد شاهد پدید آمدن جامعه ای طبقاتی بین قبایل کوچ رو و جوامع اسکان یافته در واحه ها هستیم. این واقعیت که اتحادیه ها به تشکیل نیروی نظامی سازمان یافته دست زدند، دلایلی ارائه می کند که تصور کنیم اشرافیتی در مقابل صفوف اجتماعی کوچ روهای آزاد از قبود اجتماعی پدید آورده بود^{۲۴}. سازمان اجتماعی قبایل استپ بر اساس ساختار طایفه و قبیله بنا شده بود، این نظریه بر اساس روایات مورخین کلاسیک و یافته های باستان شناسی استنتاج می شود. در گور تپه های کشف شده در نوار استپی، اعضای یک طایفه در کنار هم دفن شده اند، در این مرحله، مساوات اجتماعی در جوامع استپی ناپدید می شود و امتیازات اجتماعی و مالکیت مورد توجه قرار می گیرد.^{۲۵}

منابع کلاسیک از وجود برده میان این جوامع و استفاده از نیروی کار بردگان در فعالیت های اقتصادی صحبت می کنند^{۲۶}. ولی کاملاً واضح است که نقش مهمی در تولید نداشته اند و بردگی هیچگاه میان کوچ روها به عنوان یک وسیله تولیدی متداول نبوده است. همچنین این منابع جایگاه اجتماعی بالای زنان را در میان کوچ روهای سکا- ماساژت نشان می دهند، چنانکه هرودوت می نویسد رهبری جنگ ماساژتها علیه کوروش با ملکه تومیریس^{۲۷} بوده است^{۲۸}.

در سالهای اخیر، کاوشهای باستانی شناسی در آسیای مرکزی و شرق ایران مایه شناسایی پیوندهای اجتماعی، فرهنگی و بازرگانی در گسترده وسیعی شده است. ایران شرقی و آسیای

مرکزی اینک همچون بخش جداگانه فرهنگی شناخته شده است و نه همچون ادامه ایران غربی. گذشته از این، واحدهای فلات و آسیایی مرکزی با مراکز تمدن دره های سند، دجله و فرات پهلو می‌زنند، اگر چه این واحدها از لحاظ تولید و بسیاری نفوس با دشتهای کرانه رودها برابری نمی‌کند، اما نمی‌توان آنها را با آبادیهای مسکونی ابتدائی شمال اروپا سنجید.

یادداشت‌ها

1- Eurasia

2- Cimmerians

3- Scythians

4- Hiung-nu or Hsiung nu

5- Khitans

6- Cathay

۷- ماحصل این نشست چاپ مجموع مقالات شرکت کنندگان در کتاب سه جلدی *History of civilizations of Central Asia, ed Janos Harmutta, UNESCO, 1944.*

۸- *History of civilizations of central Asia* پیشگفتار فدريكو مايو (Fedrico Mayor)

۹- رن. فرای، تاریخ باستانی ایران، ترجمه مسعود زجب نیا (علمی فرهنگی، ۱۳۸۰) ص ۳۰.

۱۰- درباره باستانشناسی آسیایی و ساواری ارس گزارشهای سالانه کاوش (arkhelogycheskie) *Otkritiya, Cd by B.A. Rybakov (Moscow.1976)* و نیز *sovetskaya arkheologia*

مراجع ضروری هستند. بیشتر جمهوریها، هر یک دارای نشریه ویژه گزارشهای کاوشهای

باستانشناسی در درون مرزهای خویش هستند. به عنوان مثال *Arkheologicheskije Roboty V*

دیگر انتشارات ارزنده در زمینه جغرافیای آسیایی *Tadzhikistane II (Dushanbe, 1975)*

مرکزی عبارت است از مجموعه *Vostochnaya Kommissia geograficheskogo*

Obshchestva, SSSR به نام *Strang I Narody Vostoka, Vol 10 (Moscow 1975)* که

سراسر به پامیر پرداخته است و نیز *Materialy, Trudy* از *Khorezmshka Skspeditsii* آسیای

مرکزی در مجموعه مقالات *Materialy I issledovaniya po Arkhologii SSSR* به نحو

مطلوبی نمودار شده است.

۱۱- (تورا) نامی است که قبایل کوچ روی آسیای مرکزی در یکی از قدیمی ترین بخشهای اوستا بدان

نامیده شده اند. توراها دشمن ایرانیان یکجا نشین و صاحبان اسبان بادپای توصیف شده اند (اوستا

پشت هشتم (در نیایش خدای آشی). بندهای ۵۶-۵۵) گایگراظهار می‌کند که نام تورا (Tura)

بی‌آنکه اشاره به تقسیم بندی خاصی داشته باشد از سوی ایرانیان به مردمان ساکن در استپها اطلاق می‌شده است.

W. Geiger Civilization fo Eastern Iranian in the ancient t imes, Voll1,London, Henry Frowde, Amer Comet, E. C. 1885 P.44

برای اطلاع بیشتر درباره تورانیها نگاه کنید به:

j. Hottuh, *Central Asis From the Argacs to the Cossak* , Kraus Thmson

Organization ITS. Nendln /Leichtenstein, 1997

اسلام (تابش تهران ۱۳۶۷)

2- A.Abetekoy ans H Yusuov << Ancien Iranian nomadsin Westem Central Asia >>
History of Civilization of Central Asia , Vol II, P. 23

۱۲- مورخان یونانی کلیه مردمان ساکن در امتداد محدوده شمالی را با نام عمومی اسکیت‌ها سلنو

(کلتو) اسکیت‌ها (*Celto Scythias*) خطاب می‌کردند. مورخان متاخر بین ایشان تمایزاتی گذارده

اند. از جمله ساکنان دریای خزر بخشی سکائی و بخشی دیگر ماسازت نامیده شدند. تارن، کاربرد

اصطلاح اسکیت را تنها برای بیابانگردان جنوب روسیه صحیح می‌داند.

13- WW. Tam., *The Greks in Bactria and* , Cambridge, The Univercity Press, 1966
. P.80

برای اطلاع بیشتر درباره سیتها نگاه کنید به:

Strabo, The Geography of Strabo, with an English translation by . Horace Leonard Iones, Cornell Univercity , Kondon, 1966, Vol V, Book XI,PP.189,245-7,

Herodotus , The History , a new translation by Aubrey De Selen Court, Penguinim Books , 1945, Book four, Hurrion op . cit, P.25

Abetekov and Yusupov, op. cit, History of Civilization of Central Asia , P,23

۱۴- اردشیر خدادادیان، ساسانیان، به دید، تهران، ۱۳۸۱، ص ۳۱۷.

15- *Quintus Cutius*

16- *Abiae*

17- *Derbices*

18- *Bero ssus*

19- *Daha Ibid, P.24*

20- *Herodotus, op Cit, P.41*

21- *Carl C. Lamberh Karalovsky. <<The Boronze age of Bactria >> Bectria An Ancient Oasis Civilization*

۲۲- هایده معیری، باختر به روایت تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران ۱۳۷۴

ص ۱۲

۲۳- همانجا.

24-1- *Avbetecov and Yusuplov, op Cit , History of Civilization of Central Asia, P.25-26.*

- 25- Ibid
 26- Ibid, P.28
 27- Tomyris
 28- Herodorys, op. cit, Book one P.28

فهرست منابع

- ۱- خدادادیان، اردشیر، ساسانیان، بردید، تهران، ۱۳۸۱.
- ۲- فرای، ریچارد نلسون، تاریخ باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰.
- ۳- معیری، هایده، باختر به روایت تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷.
- 4- Geiger, W. *civilization of Eastern Iranian in the Ancient Times, Vol.1. land Henry Frowde, Amer Corner, E.C. 1885.*
- 5- Herndotus, *the History, a new translation by Aubrey De SelenCourt, Penguin Books, 1954.*
- 6- *History of Civilizations of Central Asia, ed. Janos Harmatta, UNESCO, Voll. 1944.*
- 7- Lamberg Karlovsky, carl. "The Boronze age of Bactria" *Bactria An Ancient Dasis from the sands of Afganistan, ed. Giancarlo Ligabue asn Salvatori, Venice, italy, 1988.*
- 8- Turn, w.w. *The Greeks in Bactria and India, Cambridge the university press, 1966.*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی